

تاریخ معاصر
ایران

مدارس عشایری ایران در

دورهٔ پهلوی

مجموعهٔ تاریخ معاصر ایران

الهام ملک‌زاده

انتشارات
پیرازه

مدارس عشایری ایران در دوره پهلوی

نویسنده: الهام ملک‌زاده

طراح جلد: سارا پزشکی

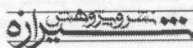
تنظیم صفحات: طاهره شامانیان

چاپ اول: بهار ۱۴۰۱

تیراژ: ۳۰۰

بها: ۱۶۵,۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۵۷۸-۱۱-۱



همه حقوق چاپ و نشر برای نشر شیرازه محفوظ است

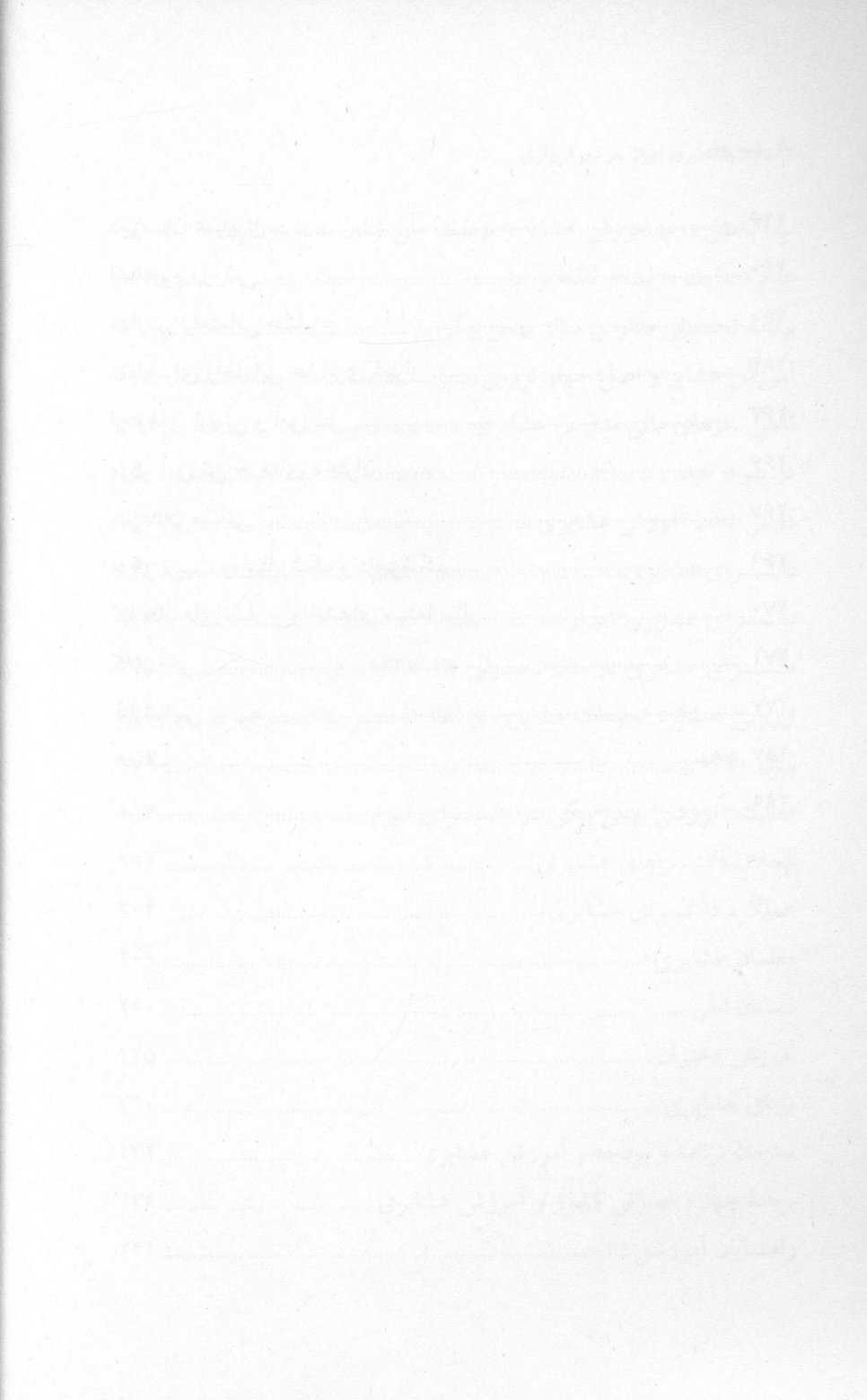
تلفن: ۲۲۵۶۰۹۸۳-۲۲۵۴۰۳۱۷

فهرست

- یادداشت ناشر ۷
- مقدمه ۱۱
- آموزش عشایری در دوران رضاشاه (۱۳۲۰ - ۱۳۰۴ شمسی) ۲۳
- نخستین مدارس عشایری ۲۵
- دارالتربیه‌های عشایری ۳۰
- نقش فرماندهان نظامی در روند شکل‌گیری دارالتربیه‌های عشایری ۳۶
- وضعیت مدارس شبانه‌روزی ۵۶
- بهداشت و سلامتی دانش‌آموزان دارالتربیه‌ها ۵۹
- آموزش عشایری در دوران محمدرضاشاه (۱۳۵۷ - ۱۳۲۰ شمسی) ۸۳
- الف) بخش اول: مروری بر زندگی بهمن‌بیگی و روند اجرای برنامه سواد
آموزی ۸۵
- تحصیل بهمن‌بیگی در تهران ۹۰
- بازگشت به ایل ۹۳
- آموزش عشایر پس از شهریور ۱۳۲۰ش ۹۹

- ب) بخش دوم: آموزش عشایر و نهضت ملی شدن نفت در ایران ۱۲۰
- عدم حمایت دولت و تکیه بر ایل ۱۲۶
- برنامه تحصیلی مدارس سیار بهمن بیگی ۱۳۴
- آموزش عشایر و اصل چهار ترومن ۱۳۶
- تأمین نیازهای مالی مدارس عشایری ۱۴۵
- در بیم و امید ۱۵۰
- دولتی شدن آموزش عشایری ۱۵۷
- دانشسرای عشایری ۱۶۳
- دانشسرای عشایری شیراز ۱۶۷
- دانشسرای عشایری در سال تحصیلی ۳۸-۱۳۳۷ ۱۷۵
- ارزیابی عملکرد تعلیمات عشایری از آغاز تأسیس دانشسرای عشایری تا سال ۱۳۴۰ ۱۷۹
- فعالیت آموزشی بهمن بیگی در دانشسرای شیراز ۱۸۷
- انحلال دانشسراهای عشایری ۱۹۴
- عملکرد دانشسرای عشایری ۲۰۴
- معلمان عشایری ۲۰۹
- دبستان ایلی ۲۲۰
- آموزش دختران ۲۲۵
- مامای عشایری ۲۳۰
- سازمان برنامه و بودجه و آموزش عشایری ۲۳۲
- برنامه چهارم عمرانی کشور و آموزش عشایری ۲۳۶
- راهنمایان آموزشی ۲۴۱

۲۴۶ دیرستان عشایری
۲۶۰ استادیوم ورزشی
۲۶۰ مدارس راهنمایی عشایری
۲۶۳ دانشسرای راهنمایی عشایری شیراز
۲۶۳ اردوهای تربیتی و آموزشی
۲۶۶ مرکز آموزش حرفه‌ای دختران
۲۶۷ هنرستان صنعتی
۲۶۹ مرکز تربیت روستاپزشک و دامپزشک
۲۷۰ کتابخانه‌های سیار و واحدهای سینما سیار
۲۷۱ کلام آخر
۲۷۷ کتابشناسی
۲۸۷ ضمائم
۲۹۹ نمایه



یادداشت ناشر

پیشینه ایجاد مدرسه یا مکتب‌خانه عشایری را می‌توان به حدود هفتصد سال پیش نسبت داد که به دستور سلطان محمدخداپنده الجایتو مدرسهٔ سیار ایجاد شد و طبعاً همراه با اردوی سلطان در بیلاق و قشلاق در حرکت بوده ووصاف‌الحضره آن را «مدرسه سیار سلطانی»^۱ که سواد آموزی به شیوهٔ سنتی رایج بود، خوانده‌است. تا پیش از سال ۱۳۰۷ که مدارس عشایری مدرن دولتی در قالب دارالتربیهٔ عشایری احداث شد، سوادآموزی مدرن در بین کوچ‌نشینان رواج نداشت. اما همراه با ظهور عصر جدید، بنیاد بسیاری از نهادهای سنتی دگرگون شد و پیشرفت‌های شگفت‌انگیز دانش بشری، دستگاه تعلیم و تربیت عمومی نیز در بسیاری از کشورها به تدریج از شیوه‌های سنتی و کهنه فاصله گرفت و با پیدایش نظریه‌های نوین دچار تحول و تطور شد. از جمله ژان ژاک روسو^۲ با انتشار کتاب امیل در عرصهٔ تعلیم و تربیت گامی تازه برداشت^۳. وی بر این نظر بود که «بر عهدهٔ شما نیست که دانش آموز چه باید بیاموزد، بلکه خودش باید آن را طلب کند، آن را جستجو کند، و آن را بیابد. این شما هستید که باید آن را در دسترس‌اش قرار دهید و با مهارت این میل را در او برانگیخته و وسایلی را برای برآوردن آن فراهم کنید.»

۱. وصاف‌الحضره، تحریر تاریخ وصاف، به قلم عبدالمحمد آیتی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

2 Jean-Jacques Rousseau (1712- 1778)

3 Le livre troisième d'Emile, Rousseau (1951, p. 203)

بدین ترتیب نظرات دیگری نیز در این زمینه ارائه شد و از اواخر سده نوزدهم کوشش‌های پیشگامان تعلیم و تربیت نوین، آموزش را هر چه بیشتر با زندگی مردمان پیوند دادند. در این میان اهتمام جان دیوئی (۱۸۵۹-۱۹۵۳) فیلسوف تربیتی آمریکایی که آموزش و پرورش را فعالیتی جدا از زندگی نمی‌دانست، تأثیر فراوانی بر سازمان آموزش و پرورش جدید گذاشت و چکیده نظر وی بعدها به صورت جمله «آموزش برای زیستن» شعار یونسکو شد.

در ایران نیز همگام با جنبش مشروطه‌خواهی، سازمان تعلیم و تربیت نوین بعنوان یکی از مهم‌ترین شاخص‌های دوران گذار تلقی و در اصل نوزدهم متمم قانون اساسی «تحصیل اجباری» مطرح شد و سپس به صورت قانون مصوب درآمد. با این همه و به‌رغم قانونی شدن تحصیل اجباری، تا دهه ۱۳۴۰ بسیاری از کودکان و نوجوانان روستایی بخصوص جامعه عشایری که در کنار جامعه شهری و روستایی یکی از سه الگوی زیستی در کشور به شمار می‌رفت، از سوادآموزی در حد خواندن و نوشتن نیز محروم بودند. از سوی دیگر، نتایج سیاست تخته قاپوکردن قهرآمیز عشایر در دوران رضاشاه، به شخص شاه و فرماندهان عالی‌رتبه درگیر با شورش عشایر آموخت که فرهنگ را با نظامی‌گری و جنگ و ستیز نمی‌توان نهادینه کرد. از این رو، تعدادی از امیران ارتش شاهنشاهی از جمله سپهبد امیراحمدی و دیگر مقامات قشونی که به‌طور مستقیم با امور عشایری درگیر بودند، نخستین پیشگامان مدرسه‌ساز در مناطق عشایری شدند که حاصل تلاش آنان تأسیس و راه اندازی دارالترجمه‌های عشایری در ترکمن صحرا و لرستان و بلوچستان و... بود که همه آنها با هجوم متفقین به خاک ایران و در سوم شهریور ۱۳۲۰ از بین رفت و دستاورد نیکوی آنها ناتمام ماند و به محاق سپرده شد.

ولیکن پس از این شکست، به اهتمام محمد بهمن بیگی که خود از میان

عشایر برخاست و در میان آنان بالید و برآمد، و به گفته خود به جای تفنگ و فشنگ، قلم و کتاب را انتخاب کرد و معلم شد^۱ و دنباله کار دارالتربیه‌ها را به گونه‌ای دیگر و باشیوه خاص خود پیگیری کرد و آموزش عشایری را به راه انداخت و افزون بر برپایی مدارس سیار، موفق به تأسیس دانشسرای تربیت معلم عشایری و دبیرستان و هنرستان و... در شیراز شد و پای دختران ایلاتی را نیز به مدارس کشاند و چنان که خود گفته بود: «با پای مسکین و بدنی ناتوان از راهی دراز و پرسنگلاخ عبور کرد و به سر منزلی دور رسید.»^۲

از این دوره تا به امروز تنها منبع مورد ارجاع آثار بهمن بیگی بوده و پژوهشی علمی و مستند به منابع منتشر نشده است. در واقع جبران خلاء مطلق در بررسی زمینه‌ها و عوامل اجتماعی سیاسی مؤثر در شکل‌گیری مدارس عشایری هدفی است که این اثر دنبال می‌کند.

پژوهش حاضر، علاوه بر شرح و بیان توصیفی و تحلیلی راه پر فراز و نشیب و ناهمواری که محمد بهمن بیگی با شکیبایی پیمود، در فرایند رفع فقدان مطالعاتی فوق، بازبینی آسیب‌ها، معضلات و کاستی‌های آموزش عشایری را مورد توجه قرار داده است.

رویکرد کتاب، مطالعه‌ای دو وجهی است: بخش عمده‌ای از این داده‌ها به تاریخ اجتماعی و تاریخ فرهنگی عشایر و آشکار شدن زوایایی از زندگی و حیات عشایری به عنوان یکی از گونه‌های زیست مهم و اثرگذار در تاریخ ایران مرتبط است؛ وجه دیگر پژوهش و داده‌های آن، پاسخگوی مباحث مطرح در تاریخ آموزش و پرورش و مسائل مبتلابه امروزی آن به منظور استخراج ایده‌ها و راهکارهای عملیاتی قابل استفاده در برنامه‌ریزی‌های آموزشی کنونی در حوزه فعالیت مدارس عشایری اشاره دارد.

۱. محمد بیگی، به اجاق‌ت قسم (خاطرات آموزشی)، شیراز، انتشارات نوید شیرازه، ص ۵

۲. همان، ص ۷

ضرورت این گونه پژوهش‌ها و انتشار آن از یک سو، در روشنگری سویه‌های تاریخی در مطالعات تاریخ آموزش و پرورش در ایران به عنوان یکی از ارکان اصلی اثرگذار در تحولات اجتماعی و سیاسی ایران و همچنین بررسی نقش و سهم عوامل مؤثر در برنامه‌ریزی آموزش عشایر ایران طی دوران پهلوی مشاهده می‌شود.

و از سوی دیگر با نگاهی به آینده، اولاً با شناسایی وجوه گوناگون مشکلات آموزش عشایر ایران امکان برنامه‌ریزی عینی و کاربردی‌تر را در اختیار نهادهای ذیربط می‌گذارد و دوم بسط و ثبت این مبحث در فقدان کنونی مطالعات علمی و تاریخی مدون می‌تواند به عنوان یکی از واحدهای درسی رشته علوم تربیتی تاریخ آموزش و پرورش ارائه شود.

زیبا جلالی نائینی